

مدیریت گروه‌های دانش‌آموزی

تشکیل و بررسی گروه‌های دانش‌آموزی (کوچک یا بزرگ) برای پیشبرد امور یاددهی - یادگیری، یکی از روش‌های مفید و اثربخش آموزشی است. نکته قابل توجه این است که گروه‌های دانش‌آموزی را چگونه می‌توان شکل داد؟ در واقع نمی‌توان بدون توجه به مفهوم تشکیل گروه و ویژگی‌های خاص دانش‌آموزان، آن‌ها را در گروه‌هایی قرار داد و انجام کاری درست و کارآمد و یادگیری پایدار را توقع داشت. زیرا گروه‌هایی که به صورت داوطلبی یا تصادفی شکل می‌گیرند، اگرچه به ظاهر کنار هم قرار می‌گیرند، اما به طور حتم، نتایج کارشان جامع، کامل و کارا نخواهد بود. به علاوه، انجام کار گروهی خود نیز به شناخت فوت و فن‌های کار مشارکتی نیازمند است.

گستره کار گروهی باید مشخص و قابل طبقه‌بندی باشد و مسئولیت انجام آن به صورت تقسیم کار بر پایه توانمندی‌های اعضای گروه برعهده آنان قرار گیرد. این گروه‌ها برای انجام کار درست به مقررات داخلی یا دستور کار معین نیاز دارند که خود اعضای گروه می‌توانند آن را با کمک معلم تهیه کنند. تعلیم گروه‌های کار دانش‌آموزی، از جمله کار مطالعاتی، پژوهشی و ارزیابی در زمینه آشنایی با سازوکارهای حل اختلافات نظر میان اعضا مثل پیدا کردن راه میانه، استفاده از نظر اکثریت، اعتبارسنجی نظر با استفاده از افراد صاحب نظر و امثال آن، لازم است. این آشنایی موجب می‌شود هر یک از اعضای گروه در حدود مشخص شده در همان گروه کار کند و برای نتیجه‌گیری و ارائه کار نهایی به معلم، تابع نظر جمع شود یا اعضا با ارائه مستندات و بهره‌گیری از استدلال، نظر خود را به وفاق (خرد) جمعی بدل کنند.

نکته قابل ذکر دیگر در این زمینه، چگونگی قرار دادن دانش‌آموزان با توانمندی‌های متفاوت در گروه‌ها توسط معلم است. تشکیل گروه‌های کاری دانش‌آموزی با توانمندی‌های همسان (چه قوی، چه متوسط و چه ضعیف) به یادگیری و پیشرفت آن‌ها کمکی نخواهد کرد. درست است که هماهنگی و انسجام کار اعضای گروه لازمه پیشرفت و یادگیری جمعی است، اما هماهنگی و انسجام در فرایند انجام کار لازم است. برای پیشبرد امور کار گروهی باید از قابلیت‌ها و شایستگی‌های متفاوت دانش‌آموزان در هر گروه بهره‌گیری شود. یادگیری جمعی حاصل تبادل افکار اعضای گروه است. تبادل افکار، تعامل، گفت‌وگو، بحث و نتیجه‌گیری هنگامی در گروه شکل می‌گیرد که ایده‌ها، راهکارها و تکنیک‌های متفاوت عرضه شوند. در این صورت اعضای گروه شیوه‌ها یا مطالب ارزنده‌ای

را از یکدیگر یاد می‌گیرند و تجربه‌های جدیدی کسب می‌کنند. در صورتی که افراد هم توان، هم فکر، هم نظر و هم سبک را کنار هم بگذاریم، به‌طور حتم هم‌افزایی یادگیری را به فراموشی سپرده‌ایم. در همین راستا، می‌دانیم که مغز آدمی اعمال متفاوتی را کنترل و هدایت می‌کند که بر اندیشه، تصمیم و عمل او اثر می‌گذارد. لذا، سبک تفکر افراد، آموخته‌ها و تجربه‌های پیشین آن‌ها، متغیرهای هوشی و ویژگی‌های شخصی، بر نیروهای فکری اثر می‌گذارند. این اثرها ممکن است بروز عملی را موجب شوند یا از بروز عملی جلوگیری کنند. افرادی که منطق فکری قوی دارند، کمتر تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و آن‌ها که از هوش میان‌فردی بالایی برخوردارند، بیش از دیگران تحت تأثیر نیروی ارتباط قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، تفاوت‌های عادات ذهنی افراد آن‌ها را به اعمال متفاوتی هدایت می‌کند. برخی عادت دارند بیشتر به امور شناختی توجه کنند و برخی دیگر فرایندهای عاطفی و هیجانی را ترجیح می‌دهند.

نکته قابل توجه معلمان این است که قرار دادن دانش‌آموزان با عملکردها و عادت‌های ذهنی متفاوت در یک گروه، به همه‌جانبه‌نگری مسئله موردنظر و ارائه راه و روش‌های متفاوت حل مسئله کمک می‌کند. وقتی دانش‌آموزان با عملکردها و عادت‌های متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند، برخی از آن‌ها به گردآوری اطلاعات و داده‌ها و تحلیل و پردازش آن‌ها می‌پردازند و برخی دیگر از طریق کسب تجربه مستقیم فردی یا گروهی، اطلاعاتی جمع و در ارائه آن نیز خلاقانه فکر می‌کنند و ابتکار به خرج می‌دهند. به هر حال، حاصل کار گروه‌های نامتجانس از نظر توانمندی‌های هوشی، شناختی، عاطفی و ارزشی، به‌طور حتم ارزشمندتر و والاتر از حاصل کار گروه‌های متجانس است.

نکته قابل ذکر دیگر در آماده‌سازی گروه‌های دانش‌آموزی برای انجام کارهای مشارکتی، مدیریت معلم در سامان‌بخشی کار «بارش مغزی» در کلاس درس است که در جای خود روشی بسیار اثربخش برای راهیابی به حل مسائل است. چنانچه معلم خودش در گروه بزرگ کلاسی متشکل از همه دانش‌آموزان کلاس، از فن بارش مغزی برای یاددهی مسائل و موضوعات درسی استفاده کند، دانش‌آموزان نیز یاد می‌گیرند به هنگام تشکیل گروه‌های کوچک از همین فن در گروه خود بهره بگیرند و به راه‌حل‌های ساده، سریع، کارآمد و نتیجه‌بخش برسند. نکته آخر اینکه چنانچه کار محوله به گروه‌ها مستلزم انجام کار پژوهشی باشد، افراد گروه باید قبل از انجام هرگونه کار، با شیوه‌ها و فوت و فن‌های پژوهش دانش‌آموزی به‌خوبی آشنا شوند، وگرنه بدون دانش و آگاهی کافی از چگونگی کار پژوهش، هرگونه تلاش در جهت انجام دادن تکلیف کار پژوهش محور، آب در هاون کوبیدن است. خلاصه آنکه هدف‌های هرگونه کار گروهی، به‌عنوان الگویی برای کیفیت‌بخشی به یادگیری، بدون بهره‌گیری از رموز و فنون مدیریت آگاهانه توسط معلم، محقق نخواهد شد.